

Reworking the Meaning of “Tabe’a” (Obedience) in the Holy Quran Based on Paradigmatic Relations

Aliasghr Shahbazi, Hamid Haji Mollamirzaei

Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran
Department of Management, Imam Hossein University, Tehran, Iran

Abstract

Exploring the significance of synonymy is among the main objects of semantic studies in Holy Quran to show the varieties in their signification and semantic networks. One such word is “Tabe’a” (obedience) which is synonymous with “At’a” (obey), “Eqtadi” (follow), “Estejab” (abide), etc. Nonetheless, these words are different stylistically, a phenomenon clearly evident in Qur’anic verses. The present study focuses on the word “Tabe’a” and its derivatives to investigate its meaning in the lexical network of Holy Quran with respect to the words in the same lexical field, including synonyms, antonyms, and collocations in the paradigmatic axis, so that its signification could be substantiated within the lexicon network of Holy Quran. The word and its derivatives have been used in more than 170 verses in Quran. It is collocated with such words as “Allah” (God), “Rasoul” (The Messenger), “Ol-ol-Amr” (Responsible), “Taqva” (Piety), , “Hedayat” (Guidance), “Osyan” (Disobedience), illustrating that obedience follows internal and external structures and has been used for both guidance and deviation, along with linguistic, practical, and mental forms. With regards to the verses, true obeisance is not merely bound to mental and linguistic aspects of the word, but requires to be practically implemented as well, manifested in full obedience of God’s, the Holy Prophet’s (pbuh), Ulu l-Amr’s, and just leaders’ orders.

Keywords: Holy Quran, Semantics, Obedience, Syntagmatic Relations, Paradigmatic Relations.

بازخوانی معنای واژه «تَبِعَ» در قرآن کریم با تکیه بر تحلیل روابط همنشینی

علی اصغر شهبازی*^۱، حمید حاجی ملا میرزایی^۲

۱- گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

shahbazi@hum.ikiu.ac.ir

۲- گروه مدیریت و برنامه‌ریزی، دانشکده مدیریت، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران

hhamirzaee@gmail.com

چکیده

مفهوم تبعیت و اقسام آن در قرآن کریم از موضوعات بسیار گسترده و مهمی است که گاه به شکل صریح و روشن و گاه به صورت غیرمستقیم، در قالب داستان‌ها، پیام‌های قرآنی و زندگی پیروان حق و باطل متبلور شده است که پرداختن به آن، مختصات پیروی در آیات قرآن کریم را به تصویر می‌کشد. یکی از روش‌های پی‌گیری موضوع مذکور، تکیه بر معناشناسی کلمات کانونی این حوزه، چون «تَبِعَ»، «أَطَاعَ»، «اِقْتَدَى»، «اسْتَجَابَ» و مانند آن است. در مقاله حاضر، تلاش شد با تکیه بر کلمه کانونی «تَبِعَ» و مشتقات آن، جایگاه معنایی این واژه در نظام واژگانی قرآن، با ملاحظه واژه‌های هم‌حوزه، شامل واژه‌های مترادف، متقابل و مجاور، در محور همنشینی، تبیین و بررسی توصیفی شوند تا دلالت‌های مرتبط با پیروی در نظام و دستگاه تصویری قرآن به دست آیند. کاربرد واژه «تَبِعَ» و مشتقات آن در بیش از ۱۷۰ آیه قرآن و نیز همنشینی با واژگانی چون «الله»، «رسول»، «اولوالأمر»، «تقوی»، «أهواء»، «هدایت»، «عصیان» و غیره نشان می‌دهد پیروی در دو ساختار کلی «بیرونی» و «درونی» و به سه شکل «قلبی»، «زبانی» و «عملی» تجلی یافته و پیروی راستین از نگاه آیات، تنها منحصر به سخن و در قلب نبوده است؛ بلکه جلوه خارجی و اطاعت عملی هم می‌خواهد و جلوه‌گاه آن، اطاعت بی‌قید و شرط در همه مسائل زندگی از فرمان خدا، پیامبر (ص) و اولوالامر و رهبران حق است.

واژه‌های کلیدی

قرآن کریم، معناشناسی، تبعیت، رابطه همنشینی، معنای محوری.

۱- طرح مسئله

نوینی قرآنی خواهد داشت. این دانش نوپا، ضمن مطالعه علمی معنا و سامان‌بخشی داده‌های معنایی، به بافت عبارات، شبکه معانی، تناسب واحدهای همنشین و جانشین و دلالت سیاقی متن، اهتمام دارد؛ دانشی که به صورت بنیادی در قلمرو علم تفسیر حضور دارد و علمای مسلمان از دیرباز از مباحث آن به شکل سنتی

امروزه روش‌های مبتنی بر زبان‌شناسی در مطالعه و بررسی آیات قرآن کریم رو به گسترش است. یکی از این روش‌ها، رویکرد معناشناسی است که جایگاهی برجسته در مطالعه معنا و دلالت‌های قرآن کریم داشته است و به باور برخی، گامی مهم در تغییر روند تفاسیر

می‌کند، گام مهم رویکرد معناشناسی است؛ امری که در کتب مفردات قرآن گذشتگان تا حدی، کم‌رنگ به نظر می‌آید و شکافی میان رویکرد جدید و قدیم بررسی مفردات قرآنی به‌شمار می‌رود.

با توجه به این مطلب، در این نوشتار تلاش شده است تا واژه «تَبِعَ» و مشتقات آن که به همراه دیگر کلمات هم‌حوزه خود، از جمله مفردات اساسی قرآنی به‌شمار می‌آیند و مفهوم «پیروی» را از نگاه قرآن توصیف می‌کنند، بررسی شوند. این مفهوم در فرهنگ اسلامی از جایگاهی رفیع برخوردار است و آیات قرآن و احادیث، اهمیت این موضوع را به نیکی نشان می‌دهد. در میان ادعیه نیز، نیایش هفتم «مناجات خمسۀ عشر» به‌طور خاص به «نیایش پیروان» (مناجاة المطيعين) اختصاص یافته است که انجام تکالیف الهی را برای پیروان به ترسیم در می‌آورد. براساس فراز آغازین این دعا «اطاعت» موهبتی است که خداوند متعال بر قلب مؤمن فرود می‌آورد: «اللَّهُمَّ أَلْهِمْنَا طَاعَتَكَ وَجَنِّبْنَا مَعْصِيَتَكَ وَيَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ مَا نَتَمَنَّى مِنْ ابْتِغَاءِ رِضْوَانِكَ» «پروردگارا! فرمانبریت را بر ما الهام فرما و ما را از نافرمانیت دور کن و راه رسیدن به آن چه خشنودی توست، میسر فرما!». در نگاه اسلام برای فرمانبری اصول و ارکانی تعریف شده است؛ چنانکه رهبری و فرمانداری نیز قوانین مخصوص به خود را داراست. پیروی مطلق در اسلام از آن حضرت حق و فرستادگان اوست و این پیروی نیز توفیقی از جانب اوست؛ چنانکه امام علی(ع) در تفسیر جمله «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» می‌فرماید: «أَدِمْنَا لَنَا تَوْفِيقَكَ الَّذِي أَطْعَمَكَ بِهِ فِي مَاضِي أَيَّامِنَا، حَتَّى تُطِيعَكَ كَذَلِكَ فِي مُسْتَقْبَلِ أَعْمَارِنَا» «خداوند توفیقاتی را که در گذشته بر ما

و محدود بهره برده و بررسی‌های لغوی و موضوعی از گزاره‌های قرآن ارائه داده‌اند؛ با این تفاوت که در گذشته، بیشتر دلالت واژگانی به صورت گسسته و جدا از پیکره یک‌پارچه و نظام‌مند قرآن بررسی می‌شد و مفهوم یک واژه اساسی و گاه یک آیه، در قالبی محدود و بدون اهتمام به مجموعه منظم و یک‌پارچه متن قرآن، سنجیده می‌شد؛ در حالی که در فرآیند تحلیل معناشناسی مطرح شده در حوزه قرآن‌پژوهی نوین، دلالت‌ها در یک دامنه کلّ و گستره معنایی عظیم مدنظر قرار می‌گیرد و انسجام و پیوند آنها با یکدیگر سنجیده می‌شود تا با توجه به نظم قرآن، جهان‌بینی آن نسبت به موضوعی خاص روشن شود. این نکته، روشنگر تمایز نگرش به قرآن در عصر کنونی با عصور گذشته است. در این رویکرد، مطالعاتی که دریچه‌ای تازه به سوی فهم متون دینی است، پیام اصلی قرآن در فضای خود قرآن، معنا و تفسیر می‌شود و اعمال دیدگاه‌های متکی به اندیشه شخصی (تفسیر به رأی)، از گستره متن رخت بر می‌بندد و به نوعی متن، مفسّر و روشنگر خود خواهد بود.

در رویکرد معناشناسی قرآن، واژه‌ها اساس پژوهش‌اند؛ واژگانی که «بهتر و بیشتر از سایر لغات می‌توانند خاطرات نفسانی و شئون روحی و معنوی را بیان کنند» (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۳۱۱). ارتباط حاصل از این واژه‌ها و مفهومی که این ارتباط افاده

۱. این مطلب ناظر بر این حقیقت که «إِنَّ الْقُرْآنَ يُفَسِّرُ بَعْضُهُ بَعْضًا» استوار است و به فرموده امام علی، علیه‌السلام، در نهج‌البلاغه: «إِنَّ الْكِتَابَ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا» (خطبه ۱۸)، «در قرآن آیات، مفسّر و گواه یک‌دیگرند».

۲. هرچند سطوح دیگر متن نیز چون جمله (Sentence)، گزاره (proposition) و سیاق (Context) بررسی می‌شوند (صفوی، ۱۳۷۸، ص ۴۴).

اکبری راد؛ ۱۳۸۵)، «درآمدی بر استفاده از روش‌های «معناشناسی» در مطالعات قرآنی» (مطیع و دیگران؛ ۱۳۸۸)، «کاربرد روش‌های معناشناسی نوین در پژوهش‌های قرآنی» (قاسم بستانی و سپهوند؛ ۱۳۹۰)، «روشی نوین در معناشناسی مفاهیم و واژه‌های قرآنی» (هادی؛ ۱۳۹۱)، «آشنایی با مکاتب معناشناسی» (پاکتچی؛ ۱۳۹۶)، «استخدام علم الدلالة فی فهم القرآن: قراءة فی تجربة الباحث الیابانی توشیهیکو ایزوتسو» (حلی، ۲۰۰۹) و غیره.

در بخش تطبیقی، پژوهشگران با انتخاب کلمات کلیدی آن گزاره را در شبکه معنایی آیات بررسی کرده و سعی در تحلیل معناشناختی واژه، با توجه به مؤلفه‌های این روش داشته‌اند. از جمله این پژوهش‌ها که با جستار حاضر ارتباط دارد، دو مقاله با عنوان‌های «معنی‌شناسی واژه اطاعت در قرآن با تکیه بر نظریه حوزه‌های معنایی» (مرادی؛ ۱۳۹۵) و «بررسی میدان معنایی اطاعت در نظام توحیدی قرآن» (شریعتی و کاظمی؛ ۱۳۹۵) است. در این دو پژوهش، کلمه محوری پژوهش «اطاع» بوده و به‌طور خاص این واژه از نظر معناشناسی بررسی شده و به شکل گزیده، به ارتباط آن با واژه «تبع» اشاره شده است؛ اما بررسی این موضوع به شکل کامل‌تر نیاز به پژوهشی مستقل دارد؛ چه آنکه واژه «تبع» و مشتقات آن گستره عظیم‌تری از واژه «اطاع» در آیات قرآن دارد و این مختصر در پی تحلیل و بررسی واژه مذکور با اهتمام بر واژه‌های هم‌نشین آن است.

ارزانی‌دستی و به برکت آن تو را اطاعت کردیم، همچنان ادامه ده تا در آینده عمرمان نیز تو را اطاعت کنیم» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۸).

با توجه به این مهم، در این جستار، تلاش شد با تکیه بر کلمه کانونی «تبع» و مشتقات آن، به سؤالات ذیل پاسخی مناسب ارائه شود:

الف) مفهوم پیروی در قرآن کریم با تکیه بر مؤلفه‌های معناشناسی واژه «تبع»، واجد چه مختصات (ویژگی‌ها یا الگوهایی) است؟

ب) براساس مؤلفه‌های معناشناسی، هم‌نشین‌های واژه «تبع»، چه دلالت‌هایی ارائه می‌دهند؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

با مروری بر پیشینه پژوهش، حوزه معناشناسی به دو بخش عمده تقسیم می‌شود. بخشی از این پژوهش‌ها در پی تبیین روش‌شناختی بوده‌اند و بخش دیگر در حوزه تطبیق جای دارند. در بخش نخست، محققان سعی در معرفی رویکرد معناشناسی، روش، مؤلفه‌ها و نیز مکاتب مشهور معناشناسی بوده‌اند. در بیشتر این پژوهش‌ها نگارندگان سعی دارند ضمن تبیین روش‌شناختی، این دانش را در حوزه مطالعات قرآنی، بومی‌سازی و نقش آن را در حوزه متن‌کاوی و تفسیر بیان کنند. با مروری بر این پژوهش‌ها باید گفت بیشتر پژوهشگران، این روش مطالعاتی را روشی کارآمد در پژوهش‌های قرآنی معرفی کرده و سعی در پیوند آن با سبک‌های تفسیری داشته‌اند. از نگاه آنها در متن‌کاوی قرآن، باید یک‌سونگری را کنار نهاد و با نگرش سیستمی و مجموعه‌نگری به کاوش در آیات پرداخت. از جمله این پژوهش‌ها: «کاربرد روش‌های معنی‌شناسی در قرآن کریم» (لسانی فشارکی و

۲- مفهوم پیروی در قرآن با تکیه بر معناشناسی کلمه «تَبِعَ»

۱-۲. نگاهی به تعاریف پیرو و پیروی

مسئله پیرو و پیروی، به دلیل اهمیت فراوان آن در رشد و تعالی یک جامعه یا سازمان، در علوم مختلف، به‌ویژه علم مدیریت، از جایگاه بسزایی برخوردار است و در روابط انسانی، چه به‌صورت عام و چه به‌صورت خاص، موضوع اطاعت و پیروی مطرح است. رابطه‌ای که از پیوند «راهِرو» و «راهِبر» شکل می‌یابد و دوام و قوام آن به کنش‌های متقابل هر دو بستگی دارد و به بیانی روشن، این دو، دو روی یک سکه‌اند. امروزه در بررسی مفهوم «پیروی» و شاخصه‌های مرتبط با آن، از علوم پیروان‌شناسی و جامعه‌شناسی مدد گرفته می‌شود تا مسائلی چون انگیزه، نیاز و تأثیرات محیط و فرهنگ در آن بررسی شوند (عابدی جعفری، ۱۳۷۵، صص ۵۳-۵۴). در نگاه مدیریت، پیروی «فرآیند دستیابی به اهداف فردی با نفوذ پذیرفتن از یک رهبر به‌وسیله مشارکت در فرد یا تلاش‌های گروهی در راستای اهداف سازمانی در یک موقعیت مفروض است؛ بنابراین، پیروی تابعی از پیرو، رهبر و متغیرهای موقعیتی است (ر.ک. محمدزاده، ۱۳۹۳، ص ۳۲). از نگاه اسلام «تبعیت و اطاعت محصول الفت قلب‌ها و نتیجه محبت میان رهبر و پیروان است. در اینگونه تبعیت و اطاعت از استبداد، برتری‌جویی و ریاست‌طلبی و نیز نافرمانی و اطاعت کورکورانه و حقارت اثری نیست» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۱).

۲-۲. چیستی معناشناسی

شاخه‌های نوین زبانی، از قبیل نشانه‌شناسی،

معناشناسی، کاربردشناسی و مانند آن، امروزه افق‌های جدیدی را در مطالعات دینی و تفسیر گشوده‌اند. این شاخه‌ها اغلب بخشی از زبان‌شناسی‌اند و با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند. از میان این شاخه‌ها، معناشناسی، به مطالعه معنا و کشف روابط و انسجام واژگانی اهتمام دارد. برخی از پیشگامان این عرصه چون «ولز»^۱ از آن با عنوان «علم دلالات»^۲ یاد کرده‌اند (نشاط، ۱۳۹۰، ص ۸). این شاخه از زبان‌شناسی در زبان عربی نیز با عناوینی چون «علم المعنی» و «علم الدلالة» مشهور است (عمر، ۱۳۸۵، ص ۱۹). از نگاه صاحب‌نظران، اساس این رویکرد، مطالعه در جنبه‌های مختلف معناست؛ از همین‌رو در تعاریف مختلفی که از این روش دیده می‌شود این جزء، پررنگ‌تر جلوه می‌کند. از نظر یکی از پیشگامان این عرصه در مطالعات قرآنی، معناشناسی تحقیق و مطالعه تحلیلی درباره کلمات کلیدی زبان است که سرانجام جهان‌بینی قومی را تبیین می‌سازد (ایزوتسو، ۱۳۶۸، ص ۴).

در این دانش، معناشناس می‌کوشد بفهمد چرا بعضی از واژه‌ها و ساخت‌ها می‌توانند به ترتیبی پذیرفتنی از نظر معنایی در کنار یکدیگر قرار گیرند؛ در صورتی که در برخی دیگر چنین نیست (ایچیسون، ۱۳۷۱، ص ۱۲۵). در این نظام «هرگز یک واژه به‌تنهایی مطالعه نمی‌شود؛ بلکه بررسی واژگان براساس هم‌معنایی صورت می‌گیرد؛ به‌طور مثال، وقتی واژه «خوف» تعریف می‌شود، واژگانی نظیر «رهبت»، «خشیت»، «فزع»، و حتی «رجاء» که از نظر معنایی متقابل با «خوف» است، در این سیستم جای دارد. خانواده‌ای از واژگان معنایی، ممکن است به ظاهر با

1. Wells

2. Significs

«أطاع» و «أجاب» می‌نویسد: «اطاعت به معنای فرمانبرداری از اراده و خواست مطاع است. در اطاعت، مطیع رتبه‌اش پایین‌تر از مطاع است؛ اما در «اجابت» این مسئله ضروری نیست» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۲۴۴) یا کلمه «قنّت» بر معنای دوام اطاعت همراه با فروتنی، ادب و کرنش است (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۶۵۳) و در واقع هر نوع پایداری در راه دین، اقرار به عبودیت و فرمانبرداری را «قنوت» گویند. اصل این کلمه به معنای خضوع همراه اطاعت است و تفاوت آن با «اطاعت» در این است که در این کلمه علاوه بر مفهوم «فرمانبرداری»، مفهوم «خضوع»، شدیدتر و بر دو نوع تکوینی و تشریحی تقسیم می‌شود (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۳۵۹) یا کلمه «قَفَا - يَقْفُو»، کلمه دیگری است که معنای دنباله‌روی را افاده می‌کند و اصل این ماده لغوی به معنای روانه‌شدن و دنبال کسی گام برداشتن است. از نظر زبانی، این واژه را باید متفاوت از «تبعیت» دانست؛ چون «تبعیت»، پیروی و حرکت در پی اندیشه و کار فردی است و بر امر مجهول و ناشناخته به کار نمی‌رود؛ حال آنکه «قفا» به معنای مطلق حرکت کردن است و در آن، تأخر زمانی و مکانی نیز ملاحظه می‌شود و به معنای دنباله‌روی اندیشه نیست (همان، ج ۹، ص ۳۳۵). صاحب تفسیر المیزان درباره این واژه می‌نویسد: «این کلمه به معنای پیروی است و از کلمه «قفا» پشت‌گردن گرفته شده؛ کانه شخص پیرو به دنبال پیش‌رو خود حرکت می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۳۳۰).

بنابراین، با تأمل و کاوش در تفاوت دلالتی کلمات قریب‌المعنی، فوائد زیادی حاصل می‌شود که نتیجه آن فهم بهتر و دقیق‌تر مفاهیم قرآنی است؛ اما با توجه به اینکه پیگیری هر یک از کلمات اساسی و سنجش

همدیگر ارتباط نداشته باشند، اما پس از بررسی به سبب تأثیرشان در زندگی انسان (فرد و جامعه) در یک فصل تنظیم یافته‌اند. گرچه واژگان «صمت»، «ادب»، «حسن خلق»، «حیا» و «جهاد»، ارتباط معنایی تنگاتنگ ندارند، از نظر تأثیرات اجتماعی و فردی می‌توانند در یک خانواده قرار گیرند» (شاملی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۵).

۳-۲. واژگان مشترک قرآنی در حوزه پیروی

با توجه به مقدمه، کلمات کلیدی یک گزاره، در نظام معناشناسی قرآن، در ساختمان آیات جایگاه مهمی دارند. ترسیم حوزه معنایی کلماتی که این مفهوم را در قرآن مجسم می‌سازند، مهم به نظر می‌رسد. با تأمل در آیات قرآن، کلمات متعددی هستند که مفهوم «پیروی» یا «فرمانبری» در حوزه معنایی آن مجسم می‌شود که می‌توان آنها را در یک شبکه معنایی مشخص جای داد (شکل ۱). در اصطلاح زبان‌شناسی به این دسته از واژگان هم‌معنا که از نظر معنایی، با یکدیگر اشتراک دارند، پدیده «ترادف»^۱ نام می‌نهند. از نگاه زبان‌شناسان، بعید به نظر می‌رسد که در یک زبان، دو واژه با یک معنای واحد بتوانند در کنار هم به حیات خود ادامه دهند (پالمر، ۱۳۶۶، ص ۱۰۷). این کلمات در ظاهر مشترک، در کاربرد، تفاوت‌های ظریفی دارند که دقت و ظرافت کاربرد قرآنی را نشان می‌دهد و تدبر در بافت و سازه‌های معنایی آیات، این اختلافات را به خوبی نشان خواهد داد. در کتب تفسیری یا مفردات قرآن، گاه به برخی از تفاوت‌های معنایی این قسم از کلمات اشاره شده است؛ برای نمونه، صاحب مجمع البیان در تفاوت معنایی کلمه

^۱. Synonymy

است.

با نگاه نخست بر شبکه معنایی «پیروی»، کلمات «تَبِعَ»، «أَطَاعَ»، «فَتَتْ»، «فَقَّأَ»، «اِقْتَدَى»، «أَجَابَ»، «أَسْلَمَ» و «شَسِعَ» در معنای محوری «پیروی» دارای تداخل معنایی به نظر می‌رسد؛ ولی سیاق و کاربرد هر یک در ساختار آیات مبارک قرآن، اختلاف و تمایزات ابعاد معنایی آنها را به نیکی نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که اطلاق لفظ «ترادف» بر آنها صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا هر یک برای ترسیم مفهومی خاص در بافت آیات به کار گرفته شده‌اند.

روابط آنها، پژوهشی مستقل و مفصل می‌طلبد، تمرکز اصلی پژوهش حاضر، تنها بر بررسی کلمه «تبع» و مشتقات آن در آیات قرآن است.



شکل ۱: شبکه معنایی و همبستگی واژگان کانونی تبعیت

۲-۴. بررسی معنای «تبعیت» در منابع لغوی

در نگاه علمای لغت، «تَبِعَ» و «تَابِعَ» به معنای پیروی کردن، تابع بودن، تعقیب کردن و پیوستن وارد شده است (زمخشری، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۸۹-۹۰). صاحب مفردات در توضیح این کلمه می‌نویسد: گفته می‌شود «تَبِعَهُ وَ اتَّبَعَهُ» به دنبال او رفت و این تبعیت گاهی با «جسم» و گاهی با «اطاعت کردن» و «امثال دستور» ظاهر می‌شود. «تَبِعَ» نیز رئیسانی هستند که به دلیل دنبال کردن سیاست همدیگر و یکی پس از دیگری به حکومت رسیدن آنها را «تبع» نامیده‌اند و گفته شده پادشاهی است که قومش از او حمایت و پیروی می‌کنند که جمع آن «تبايعه» است (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۸-۱۱۹)؛ اما برخی واژه «تَبِعَ» را در زمره واژه‌های دخیل و لقب پادشاهان حمیر به‌شمار آورده‌اند (جفری، ۱۳۷۲، ص ۱۵۳). مصطفوی در کتاب التحقیق خود درباره ریشه «تَبِعَ» معتقد است: «اصل این کلمه در معنای حرکت کردن و سیر به دنبال یک امر مادی یا معنوی است و این «اتباع» می‌تواند عملی یا فکری باشد» (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص

واژگان متقارب شکل بالا دارای ویژگی متمایز از دیگری‌اند و جلوه‌ای خاص از «اطاعت قرآنی» را نشان می‌دهند؛ البته با تأمل در این واژگان، نوعی ارتباط منطقی در میان آنها به نظر می‌آید و هر یک را در توالی یکدیگر قرار می‌دهد که در ابتدای آن شنیدن و در رأس آن عبودیت قرار دارد. با توجه به مطالب بالا، به‌طور خلاصه می‌توان دو علت اصلی ذیل را دلیل تمرکز محقق جستار حاضر بر واژه کانونی «تبع» برشمرد:

الف) معنای اساسی و اولیه این واژه از نظر علمای تفسیر (طباطبایی) و صاحبان کتب مفردات (راغب اصفهانی و مصطفوی) دال بر مفهوم فرمانبری و انقیاد است.

ب) مفردات دیگر ضمن افاده معنای انقیاد و فرمانبری در قرآن کریم، معانی ثانویه دیگری نیز دارند؛ برای مثال، واژه «عبد» دارای معنای اساسی دیگر چون رسول، پیرو، برده، بنده تربیت شده و غیره

۱۰۵ مرتبه در آیات مکی و ۶۸ مرتبه در آیات مدنی، فراوانی داشته است. علت معناشناختی این فراوانی، در تبلیغ آغازین پیامبر گرامی (ص) جستجو می‌شود. در واقع، پیامبر گرامی اسلام برای برپایی دین و نشر آن در مکه به یاری پیروان نیازمند بوده است؛ به همین دلیل، به شکلی شایان توجه، این کلمه در این آیات کاربرد زیادی دارد تا اندیشه مسلمانان نخستین از نظر فکری و عقیدتی برای تبلیغ و دعوت اسلامی آماده شود و اینکه رکن اساسی اسلام، یعنی همان تسلیم و مطیع بودن را اعلام کند.

جدول ۱: کاربرد «تبع» در آیات قرآن

| فراوانی تبع و مشتقات آن براساس آیات و سوره‌ها | | | | |
|---|-----------|----------|-----------|-------|
| آیات مکی | آیات مدنی | سوره مکی | سوره مدنی | مجموع |
| ۱۰۵ | ۶۸ | ۳۸ | ۱۴ | ۱۷۳ |

اگر آنچه قرآن کریم به پیروی یا سرپیچی از آن دستور فرموده است، به دو حوزه معنوی، مادی و صوری، تقسیم شود، با بررسی آیات «تبعیت» مشخص می‌شود هر دو بخش عملی و فکری یا مادی و معنوی به این حوزه تسری دارد؛ اما مقایسه این دو بخش، نشان از گستردگی وجه معنوی و درونی این حوزه دارد؛ مقصود آنکه حوزه کاربردی واژه «تبع» در قرآن، بیشتر در مواردی است که متبوع وجه ظاهری ندارد. تبعیت مادی و محسوس، حرکت در پی افراد است؛ چون این آیه شریفه که می‌فرماید: «فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدْوًا» (یونس: ۹۰) «و فرعون و سپاهش از ستم و دشمنی، سر در پی آنان نهادند»؛ اما تبعیت در بُعد معنوی آن، شامل امور حسی نیست و از میل درونی و روحی نشأت می‌گیرد؛ مانند این آیه مبارک: «فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ» (بقره: ۳۸)، «کسانی

او در تفاوت ساختارهای وزنی این کلمه نیز می‌افزاید: «باب افتعال این کلمه «اتباع» دلالت بر پیروی کردن از روی اختیار و اراده است و وزن (مفاعله) «متابعة» آن بر معنای موافقت و ادامه مسیر پیروی دارد. همچنان که باب تفاعل، یعنی «تتابع» نیز همین مفهوم را افاده می‌کند و معنای تداوم و استمرار تبعیت را ترسیم می‌سازد» (همان، ص ۴۰۹). گفتنی است صاحب‌التعبیر *القرآنی* با تکیه بر بررسی سیاق آیات، به بیان تفاوت ساختاری «تبع» و «اتباع» در این دو آیه متشابه از سوره «بقره» و «طه» پراخته است: «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَاِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۳۸)، «قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَاِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى» (طه: ۱۲۳)؛ او معتقد است تبعیت در ساختار ثلاثی مجرد آن نافی هر رنج بوده و ترسیم‌کننده تکریم و رأفت الهی نسبت به بندگان است. چنانکه آیه (۳۸ بقره) با اسناد فعل به پروردگار (قلنا) آغاز می‌شود و فرجام آیه نیز فقط به سعادت اخروی اشاره دارد؛ اما مضمون آیه دوم با دشواری و تکلف آمیخته است؛ چه آنکه آیه به مجاهدت با گمراهی در دنیا و فوز در آخرت اشاره دارد و افزوده‌شدن این دو، تغییر ساختار فعل را می‌طلبد و تشدید و مبالغه را ضروری می‌سازد (سامرائی، ۲۰۰۶، ص ۲۹۲-۲۹۳). با شناخت کاربرد لغوی این واژه، به حوزه معنایی آن در قرآن پرداخته می‌شود.

۲-۵. حوزه معنایی «تبعیت» در کاربرد قرآنی

کلمه «تبع» با ساختارهای متنوع خود در ۱۷۳ نمونه در آیات مبارک قرآن به کار رفته که از این میان،

جزای شرط برقرار است؛ چنانکه ادامه آیه «ومن تولی...» رابطه تقابلی را نشان می‌دهد: «مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا» (نساء: ۸۰)، همین رابطه در این آیه شریفه نیز وجود دارد: «فَمَنْ أَتَّبِعْ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ» (طه: ۱۲۳) که بیان ثمره اتباع، تکمیل‌کننده مفهوم شرط پیروی الهی است.

۲-۶-۲. رابطه تقابلی

اصطلاح تقابل معنایی به هنگام بحث درباره مفاهیم متقابل یا در اصطلاح سنتی، معانی متضاد واژه به کار می‌رود. در معناشناسی عمداً اصطلاح تقابل به جای تضاد استفاده می‌شود؛ زیرا تضاد صرفاً گونه‌ای از تقابل است (صفوی، ۱۳۶۹، ص ۱۰۵). از نگاه یاکوبسن «واحد‌های زبانی توسط نظامی از تقابل‌های دوتایی به هم مربوط و محدود می‌شوند؛ این تقابل‌ها در تولید معنا نقشی بنیادی دارند» (چندلر، ۱۳۹۷، ص ۱۵۹)؛ البته این دوگانه‌انگاری، برای دو مفهومی است که مؤلفه معنایی مشترک دارد، ولی یکدیگر را تضعیف و نفی می‌کنند؛ از این رو، در عین اتحاد در کلیت معنا، از دیگر جهات با یکدیگر افتراق دارند؛ مانند: «اتَّبِعْ وَ كَرِهْ» در این دو آیه شریفه که دو قطب مقابل هم‌دیگرند و اجزای آن در تمایز با یکدیگر قرار دارند: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَ كَرِهُوا رِضْوَانَهُ» (محمد: ۲۸) یا تقابل «تبع» و «عصى» در این آیه: «مَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَ مَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (ابراهیم: ۳۶)، تداعی‌گر تناسب و پیوند ساختاری درون آیه است که شبکه‌ای از روابط نامرئی معنایی را در دو حوزه مثبت و منفی پیروی بیان می‌دارد.

که از رهنمود من پیروی کنند، بیمی نخواهند داشت». شایان ذکر است «تبعیت» در آیات قرآن، مبتنی بر صدور فرمان نیست، بلکه حالت ارادی و داوطلبانه دارد.

۶-۲. واژه «تبع» براساس روابط چهارگانه معنایی

در معناشناسی ساختگرایی قرآن، روابط میان واژه‌ها از اهمیتی بسزایی برخوردار است و از پیوند آنها درک معنا میسر می‌شود. مبنای بررسی این روابط، اهتمام به دو بُعد ساختار دستوری و معنایی آیات است. با توجه به این دو ویژگی، رابطه چهارگانه‌ای میان زوج‌های معنایی آیات قرآن در نظر گرفته می‌شود که تبیین این روابط در کشف دلالت آیات میسر خواهد بود؛ البته انواع روابط معنایی که زبان‌شناسان و معناشناسان از آن بهره می‌برند، لزوماً در واژگان قرآن کریم دیده نمی‌شود (فتاحی‌زاده و امینی، ۱۳۹۵، ص ۱۸). گونه‌های معنایی میان واژگان قرآنی در زیر ذکر شده‌اند:

۱-۶-۲. رابطه مکملی - نحوی

در این رابطه، واژگان مبتنی بر ساختار نحوی (دستوری) یا دلالتی (معنایی) با یکدیگر در ارتباط‌اند؛ مانند روابط مبتدا و خبر، فعل و فاعل، مضاف و مضاف‌الیه، فعل و مفعول و مانند آن. بررسی این بخش از روابط میان کلمات، در دریافت عمق دلالت واژگانی تأثیری بسزایی دارد؛ زیرا در چارچوب کلی متن این روابط از یکدیگر تأثیرپذیرند؛ بنابراین، در این بخش بر مکمل‌بودن اجزای جمله از لحاظ دستوری تأکید می‌شود؛ برای نمونه، در این آیه شریفه در میان ترکیب «من يطع الرسول»، «فقد أطاع الله» رابطه نحوی شرط و

۳-۶۲. رابطه اشتدادی

این رابطه شامل «آن دسته از روابط بین دو واژه است که ضمن داشتن ویژگی مشترک، مانند مؤلفه معنایی مشترک در مقام تقویت معنای هم بر می آیند» (فائز و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱۰۰). رابطه اشتدادی، انواع روابط معنایی است؛ از جمله شمول معنایی و هم معنایی (ترادف)؛ مانند رابطه «اتبعوا» و «اطیعوا» در این آیه مبارک از سوره طه که در راستای تثبیت و تحکیم معانی یکدیگر ذکر شده‌اند: «إِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي» (طه: ۹۰)، «پروردگار شما خداوند رحمان است! پس، از من پیروی و فرمانم را اطاعت کنید»؛ یا در این آیه شریفه: «إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (مائده: ۷)، دو واژه «سمع» و «اطاعت» ضمن تقویت معنای یکدیگر، مؤلفه‌های معنایی مشترکی دارند.

۴-۶۲. رابطه توزیعی

این رابطه برای دو مفهومی است که در یک حوزه معنایی، اما با قلمروهای متمایزی با یکدیگر قرار دارند؛ مانند: «الجن» و «الانس» و «الطیر» در آیه: «وَ حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ» (نمل: ۱۷)، «و برای سلیمان، سپاهیان از پریان و آدمیان و پرندگان گردآوری شدند [و آنان را از حرکت باز می داشتند] تا گروههای دیگر به آنان ملحق شوند». در این آیه، نوعی توزیع بین جنود سلیمان نبی، علیه‌السلام، وجود دارد. این سه واژه براساس بافت آیه، سپاهیان سلیمان نبی به‌شمار می آیند که در عرض یکدیگر قرار گرفته‌اند.

چنانکه پیش‌تر بیان شد واژه‌ها در هم‌نشینی با زنجیره واژگان، معانی مخصوص به خود می‌یابند و

مفهومی ویژه را می‌رسانند و با توجه به اینکه در متن قرآن، هر کلمه جایگاه مخصوص به خود را داراست، بررسی واژه‌ها در محور همنشینی، در دستیابی به دلالت‌های آیات اهمیت بسزایی دارد. با بررسی کلمه «تبع» در باهم‌آیی با واژگان دیگر، نتیجه ذیل حاصل شد:

جدول ۲: واژگان هم‌نشین «تبع»

| ردیف | محور همنشینی | فراوانی همنشینی با «تبع» | نوع رابطه معنایی |
|------|---------------------|--------------------------|------------------|
| ۱ | الله / ربّ | ۳۱ / ۱۰۴ | مکملی |
| ۲ | رسول / نبی | ۵ / ۱۵ | مکملی |
| ۳ | هوی و مشتقات آن | ۲۲ | مکملی |
| ۴ | تقوی و مشتقات آن | ۳ | مکملی |
| ۵ | ظنّ | ۸ | مکملی |
| ۶ | رحم و مشتقات آن | ۱۱ | مکملی / اشتدادی |
| ۷ | سمع | ۶ | اشتدادی |
| ۸ | شیطان / ابلیس | ۲ / ۹ | مکملی |
| ۹ | هدی و مشتقات آن | ۳۵ | مکملی / اشتدادی |
| ۱۰ | عصیان / إغراض / کره | ۳ / ۳ / ۵ | تقابلی |

طبیعتاً تجزیه این واژه، به تعدادی عناصر و اجزای ذاتی (مؤلفه‌های معنایی) که با انشعاب مفهومی کشف می‌شود، نقش بسزایی در یافتن مفهوم «تبعیت» در قرآن دارد؛ زیرا کلمات در شبکه معنایی قرآن، تنها و منفرد به کار نرفته‌اند؛ بلکه در میان خود، گروههای گوناگون بزرگ و کوچک می‌سازند و این گروهها با هم از راههای مختلف پیوند می‌گیرند و از طریق این زنجیره‌ها، دنیای مفاهیم و گزاره‌های قرآنی آشکار می‌شود. یکی از این گروهها که این پژوهش را به کشف مفهوم پیروی در قرآن سوق می‌دهد، همین

حوزه معنایی پیروی است که با تکیه بر «تَبِعَ» بدان پرداخته شد و دیگری حوزه تقابل معنایی است که با تعمق در این بخش، مفهوم مقابل پیروی، یعنی عصیان و نافرمانی به نیکی روشن شد؛ مصداق این مَثَل: «تُعْرِفُ الْأَشْيَاءَ بِأَضْدَادِهَا» (اشیاء با متضادهای آن شناخته می‌شود). واژه‌هایی چون «إِعْرَاضُ»، «عَصِي»، «كُفْرَه» و «تَوَلَّى» در این محور نیز ملاحظه شد؛ همنشینی این تقابل‌های معنایی در حوزه پیروی، گستره این حوزه را عمق بخشید و بطن دلالتی آیات را نمایان ساخت.

۳- رابطه معنایی «تبعیت» در محور همنشینی

۱-۳- همنشین‌های اسمی

مطالعه روابط همنشینی در شناخت مفهوم یک گزاره نقش برجسته‌ای دارد و به بیانی «به کار گرفتن یک ساختار همنشینی و ترجیح آن نسبت به دیگر ساختارها در یک متن از عوامل مؤثر در تولید معناست» (چندلر، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳). در این بخش، همنشین‌های برجسته تبعیت در دو بخش اسمی و فعلی بررسی می‌شوند:

الف) هوی

در آیات قرآن کریم، تبعیت با «هوی» ۶ مرتبه در قالب مفرد و ۱۶ مرتبه با جمع آن، باهم‌آیی دارد و فراوانی بالاتری نسبت به موانع درونی مذکور در قرآن برای پیروی دارد. اصل واژه «هوی» به معنای سقوط و تمایل به پایین است که از مصادیق آن گرایش به شهوت‌ها و امور مادی است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۳۲۸). شایان توجه است کاربرد ساختار جمع این واژه در آیاتی چون «لَسِنَّ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ»

(بقره: ۱۲۰)، بیان‌کننده تنوع و پایان‌ناپذیری خواسته‌های نفسانی انسان است؛ چنانکه راغب در مفردات خود می‌گوید: «تبعیت از هر یک از امیال نفسانی غیر از مورد دیگر آن است که اینها پایان‌ناپذیرند و نشانه نهایت گمراهی‌اند» (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۸۱۹). پیگیری و خوانش رابطه همنشینی تبعیت با این واژه در آیات، نشان‌دهنده اشارات قرآنی بر دلیل شکل‌گیری این نوع از پیروی و فرجام ناگوار پیروان آن است. جهل، بیماری قلب، غفلت از آخرت و پذیرش ولایت ناهلان، ریشه‌های مذکور تبعیت از امیال درونی در قرآن است؛ برای مثال، در این آیات: «لَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ» (کهف: ۲۸)، «طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ» (محمد: ۱۶)، ریشه‌های پیروی از خواسته‌های نفس، ریشه در بیماری قلب دارند. گفتنی است پیامدهایی چون فساد، گمراهی، ظلم، نتایج اشاره‌شده آیات قرآن برای این نوع از پیروی است. تبعیتی که قوه عقل را از انسان باز می‌ستاند و او را تسلیم خود می‌کند. در این راستا، آیه ۵۰ سوره قصص تبعیت از هوی را ظلم به خویشتن معرفی می‌کند: «مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (قصص: ۵۰). قید پرسشی «مَنْ» در این آیه شریفه، مفید استفهام انکاری به انگیزه نفی و همنشینی صفت «بغیر هدی» با «هوی» تثبیت و تقریری بر نهایت گمراهی پیروان خواسته‌های نفسانی است.

ب) رضوان

واژه «رضوان» ۱۳ مرتبه در قرآن به کار رفته و در نظام معنایی آیات به دلیل نسبت به پروردگار متعال ترسیم‌گر دلالتی قدسی و معنوی است. ریشه اساسی

اتَّبِعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهُ وَكَرَهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ» (محمد: ۲۸). شایان ذکر است کاربرد اسمی «رضوان» برخلاف خشم الهی که در قالب جمله فعلیه آمده است «ما أسخط الله»، ثبوت رحمت و دوام رضایت الهی را برخلاف گذرابودن غضب الهی نشان می‌دهد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۸، ص ۵۸)؛ «أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبُئْسَ الْمَصِيرُ» (آل عمران: ۱۶۲).

ج) ظن

واژه «ظن» و مشتقات آن در زبان عربی در چهار معنا به کار رفته است؛ دو معنای متضاد «شک» و «یقین» و دو معنای «دروغ» و «تهمت» که با یکدیگر متضاد نیستند. ابن جوزی (۵۹۷ ق) ضمن اشاره به چهار معنای مذکور در قرآن، معنای «حسابان و پندار» را بر این واژه افزوده است (ر.ک. عوا، ۱۹۹۸، ص ۹۵). راغب معتقد است «ظن» شکی است که از اماره حاصل می‌شود و هرگاه این حالت تقویت شود، منتهی به یقین می‌شود و اگر تضعیف شود، از وهم تجاوز نمی‌کند و زمانی که زاید تصور قوی باشد، با «أن» و «إن» به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۵۰۶). این واژه به شکل‌های مختلف اسمی و فعلی هفتاد بار در قرآن کریم به کار رفته و در ۸ مورد با «اتبع» رابطه مکملی - نحوی داشته است. در همه این هشت مورد، «ظن» معنای دودلی و گمان داشته و از سوی قرآن، نهی و مذمت شده است؛ برای نمونه، در این آیه از سوره یونس: «وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (یونس: ۳۶)، پیروی از ظن را به بیشتر کفار نسبت داده است؛ با اینکه همه آنان کافرند و دلیلی یقینی بر مرام خود ندارند و این بدان سبب است که پیشوایان کفر نسبت

این واژه به معنای پذیرش و توافق قلبی است و تفاوتی دقیق با واژه‌های هم‌حوزه مانند «وفاق»، «حب»، «طاعت» و مانند آن دارد. «رضوان» با دربرداشتن نوعی تأکید دلالی به خشنودی فراوان و توافق شدید معنا شده است (ر.ک. مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۱۶۱). راغب اصفهانی در این باره در مفردات خود می‌نویسد: «از آنجا که بزرگ‌ترین نوع خشنودی، این است که پروردگار از انسان خشنودی داشته باشد، بنابراین، «رضوان» در قرآن ویژه خداوند متعال معرفی شده است» (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۳۱۲). طباطبایی در تفسیر آیه «رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» (توبه: ۷۲) محدوده رضوان الهی را نامتناهی معرفی می‌کند و احساس معنوی حاصل از آن را توصیف‌ناپذیر می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۵۶).

باهم‌آیی تبعیت و رضوان در ۵ آیه از قرآن نشان از ارتباط پایدار این دو واژه با یکدیگر دارد. گفتنی است در همه این موارد، باب افتعال (اتبع) به کار رفته که بیان‌کننده دشواری کسب مقام رضوان و لزوم تلاش برای آن است؛ اما درباره واژه «مرضات» مسئله متفاوت است؛ چه آنکه در قرآن واژه عام بوده است؛ یعنی هم برای پروردگار و هم برای بندگان، اطلاق و بیشتر با فعل «ابتغی» ذکر شده است. براساس آیات تبعیت از رضای الهی نهایت بندگی را جلوه می‌سازد و هدایت الهی را به دنبال می‌آورد: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (مائده: ۱۶)؛ چنانکه شرط قبولی اعمال و هرگونه تلاش، رضای خداست و اعمال کسانی که اصرار در خشم خدا دارند، پذیرفتنی نیست و نابود می‌شود: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ

به درستی مرام خود نه تنها ظنی ندارند، به نادرستی آن و به حقانیت دین حق یقین دارند. بغی و دشمنی‌هایی که با هم دارند، وادارشان کرد به اینکه به خاطر حق دست از باطل برندارند و همچنان مردم را به سوی باطل دعوت کنند؛ همچنان که خدای عز و جل دربارهٔ وضع آنان فرموده است: پس اقلیتی که همین پیشوایان ضلالت باشند، پیرو ظن نیستند و پیرو ظن همواره اکثریت مردم‌اند که به تقلید کورکورانه از پدران راه باطل آنها را دنبال کرده و می‌کنند؛ بنابراین، «ظن، خود ادراکی نفسانی و غیرارادی است؛ اما مواجهه با آن اعم از پذیرفتن یا انکارکردن، ترتیب اثر دادن یا رهاکردن، تبعیت یا مخالفت کردن با آن می‌تواند در تعیین مسیر انسان مؤثر واقع شود (صرفی، ۱۳۹۸، ص ۹۸).

در سوره نجم هم، تبعیت از ظن مانع رسیدن به علم حقیقی معرفی شده است: «وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» (نجم: ۲۸). در مجمع‌البیان آمده است: «منظور از حق در این آیه، علم است؛ یعنی ظن و گمان نمی‌تواند ما را از علم بی‌نیاز سازد و نیز نمی‌تواند جایگزین علم شود» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۳، ص ۳۹۹).

د) شیطان

کلمه «شیطان» از دیگر کلماتی است که با فراوانی بالا با تبعیت رابطهٔ مکملی - معنایی داشته است. علمای لغت در باب ریشهٔ واژگانی این کلمه اقوال متعددی ذکر کرده‌اند. راغب در مفردات خود این واژه را ذیل ماده «شَطَنَ» ذکر می‌کند و می‌نویسد: «نون در این کلمه اصلی است و از باب «شطن» به معنای دور شد، است. همچنین، برخی این واژه از باب «شاط - شیط» به معنای شدت خشم می‌دانند» (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰، ص ۴۱۴). صاحب‌التحقیق معتقد

است این واژه بر وزن «فیعال» (مانند بیطار) برگرفته از زبان عبری و سریانی است و اصل این ماده به دوری از حق و پایداری در انحراف و به عبارتی، جامع ردایل، دلالت می‌کند (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۷۳) و این برخلاف واژه «ابلیس» است که برگرفته از «ابلاس» به معنای یأس شدید ناشی از کردارهای نادرست است (همان، ج ۶، ص ۷۷).

کاربردهای قرآنی این واژه چهار دلالت معنایی متفاوت از یکدیگر را نشان می‌دهد: الف) اسم علم برای ابلیس و ملک شر؛ ب) به صورت جمع (شیاطین) برای لشکریان و پیروان ابلیس؛ ج) به صورت مجازی در اطلاق به رهبران پلید؛ د) ارواح خبیثه (جفری، ۱۳۷۲، صص ۲۷۳ - ۲۷۴) که دو معنای نخست، در باهم آبی شیطان و تبعیت (۹ مرتبه) دریافت می‌شود. گفتنی است واژه «ابلیس» نیز ۲ بار با مشتقات «تبع» ذکر شده و در همهٔ این موارد مفهوم نهی شدید همراهی با آن مراد بوده و فقط رحمت الهی است که از پیروی انسان از وسوسه‌های شیطانی باز می‌دارد: «لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا» (نساء: ۸۳).

گاه هم به جای اسناد نهی اتباع به شیطان، ترکیب «خطوات الشیطان» به کار رفته و بیان‌کنندهٔ تدریجی بودن این پیروی است؛ برای مثال، در آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره: ۲۰۸)، «خطوات» جمع «خطوة» به معنی گام است. در اینجا این حقیقت تکرار شده است که انحراف از عدالت و تسلیم شدن در برابر انگیزه‌های دشمنی و عداوت از مراحل کوچک شروع می‌شود و به مراحل حاد، منتهی می‌شود و مطابق ضرب‌المثل معروف عرب «إِنَّ بَدْوَ

متون پیش از اسلام، اغلب بُعد مادی داشته و در معنای «حفظ کردن» و «دفاع کردن» به کار می‌رفته است؛ ولی در نظام قرآنی، بُعد روحانی و اخلاقی به حوزه معنایی آن، افزوده و در معنای حفظ نفس از گناه و خوف الهی به کار گرفته شد. ارتباط تنگاتنگ این واژه با حوزه‌های معنایی پیروی، شبکه گسترده‌ای را به وجود می‌آورد؛ به طوری که «در سراسر قرآن، پس از اطاعت خداوند، اطاعت از رسول خدا ذکر شده است و در یازده مورد، بعد از عبارت «اتَّقُوا اللَّهَ» جمله «أَطِيعُوا» آمده است؛ یعنی لازمه تقوای الهی، اطاعت از رسول اوست» (قرانتی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۹۰)؛ به بیان دیگر، «اطاعت یک معنی کلی است و خشیت شاخه درونی آن و تقوی شاخه بیرونی آن است و به این ترتیب، در قرآن نخست، از اطاعت به‌طور کلی سخن گفته شده است، سپس از شاخه درونی و بُعد برونش» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۲۳)؛ برای نمونه، در این آیه شریفه: «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (انعام: ۱۵۵)، باهم‌آیی تبعیت و تقوی حاکی از رابطه معنایی آنها بوده است که رحمت و سعادت را به بار می‌آورند.

ب) هدی

واژه «هدی» و مشتقات آن ۳۱۶ مرتبه در قرآن به کار رفته که از این میان، قریب به ۱۵ مرتبه با «تبع» رابطه مکملی داشته که نسبت به دیگر واژه‌های هم‌نشینی (چون: نور، رضوان، وحی، رحمت و غیره) از فروانی بالایی برخوردار است. به اعتقادی برخی از مفسران، هدایت در سایه اطاعت معنا می‌یابد و هدایت صحیح در گرو پیروی درست است (قرانتی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۲۰۵).

براساس آیه ۱۶ سوره مائده، پیرو، زمانی از هدایت

الْقِتَالِ الْلُطَامِ» (آغاز جنگ یک سیلی است)، گاهی یک حرکت کوچک از روی عداوت، آتش جنگ ویرانگری را بر می‌انگیزاند؛ بنابراین، افراد با ایمان که مخاطب در این آیه‌اند، باید از همان آغاز بیدار باشند و جرعه‌های کوچک عداوت و دشمنی را خاموش سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۳).

در این آیه از سوره حج: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ» (حج: ۳)، پیروی شیطان به جای اعتقاد و عمل به کار رفته، بر چگونگی و حقیقت مطلب دلالت کند و دلیل تنکیر واژه «شیطان»، دلالت بر تعدد شیاطین و به فنون ضلالت آنها اشاره دارد. در تفسیر المیزان در این باره آمده است: «ابواب باطل مختلف است و بر هر بابی شیطانی، از قبیل ابلیس و ذریه‌اش و شیطان‌هایی از آدمیان هستند که به سوی ضلالت دعوت می‌کنند و اولیای گمراهشان از ایشان پیروی می‌کنند؛ هرچند تمامی وسوسه‌های آنان منتهی به ابلیس ملعون می‌شود. جمله «وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ» در عین حال کنایه از این نیز هست که گمراهان در پیروی باطل به جایی نمی‌رسند که توقف کنند؛ برای اینکه استعداد پذیرش حق در آنها کشته و قلبشان مطبوع بر باطل شده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۸۴).

۲-۳. هم‌نشینی‌های فعلی

الف) اتقی

از جمله کلمات اساسی هم‌نشینی با «اطاعت» و «تبعیت» در قرآن، واژه «تقوی» است که از عوامل خودکنترلی به‌شمار می‌آید و زمینه‌ساز پیروی درست است. این واژه در ۱۵ مورد با «اطاعت» و در ۳ مورد با «تبعیت» باهم‌آیی داشته است. اصل کلمه «تقوی» در

پروردگار بهره‌مند می‌شود که در پی خشنودی او باشد: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (مائده: ۱۶). از نظر صاحب‌المیزان، مراد از «هدایت» در این آیه «رساندن به مقصد» است، نه به معنای «نشان دادن راه» و چون «سلام» در این آیه به‌طور مطلق ذکر شده است، معلوم می‌شود مقصود سلامتی و ایمنی از هرگونه شقاوتی است که سعادت دنیا و آخرت را مختل می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۰۰). در سوره طه برای بزرگداشت امر هدایت، «هدی» در قالب استعاره مکنیه به پروردگار نسبت داده شده است: «فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى» (طه: ۱۲۳) که در اصل به معنای «من اتبع الهادی الذی یهدی بهدای» بوده است (همان، ج ۱۴، ص ۳۱۳). برخی از مفسران نیز مقصود از «هدی» را انبیا و کتاب الهی دانسته‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۱۱۰) که پیروی از هر دو سعادت‌آفرین است.

در آیه ۱۸ سوره زمر نیز پیروی، از برترین اقوال هدایتی است که بندگان صالح پروردگار آن را کسب می‌کنند «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۸)؛ این جمله اشاره است به اینکه صفت پیروی از بهترین قول، هدایتی است الهی و این هدایت - که گفتیم عبارت است از طلب حق و آمادگی تام برای پیروی از آن هر جا که یافت شود - هدایتی است اجمالی که تمامی هدایت‌های تفصیلی و رسیدن به هر یک از معارف الهی بدان منتهی می‌شود.

در این آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا مَن مَّا لَمْ يَأْتِكُمْ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكُمْ صِرَاطًا سَوِيًّا» (مریم: ۴۳)، غرض

از امر «اتباع» ارشادی است و مراد از هدایت در جمله «به معنای راه نشان دادن است، نه به راه رساندن؛ چون شأن پیامبر این نیست که امت خود را به راه برساند، بلکه شأن او تنها راه نشان دادن است؛ و به راه رساندن، شأن امام است که ابراهیم(ع) در آن روزها به چنین مقامی نرسیده بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۷۶).

ج) عَصَى

در کنار بیان اسباب و انگیزه‌های تبعیت در قرآن کریم، به دلایل عدم پذیرش و عصیان نیز اشاره شده است. از جمله کلمات محوری در حوزه معنایی «سریچی و نافرمانی» در قرآن کریم، ماده «عَتَوُ» است که به تعبیر طبرسی در مجمع‌البیان، به معنای بدترین نوع ظلم است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۵، ص ۱۸۹). صاحب‌کشاف نیز در تفسیر این کلمه معتقد است «عتو» به معنای گذر از حد و مرز ستم و نهایت استکبار و افراط‌گری در نافرمانی و طغیان است (ر.ک. زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۷۳). از منظر آیات، این عوامل به دو گروه عمده درونی و بیرونی تقسیم می‌شود. مقصود از عوامل درونی، صفات و ویژگی‌های نفسانی انسان است که مانع عظیم در پذیرش و پیروی انسان از مسیر حق ایجاد می‌کند. ردایلی که در نفس انسان ریشه می‌دواند و قدرت تعقل و تصمیم‌گیری را از فرد سلب می‌سازد. عوامل بیرونی نیز در بردارنده عناصر محیطی و اشخاص است که در بررسی دلالت‌های تبعیت هر دو بخش ملاحظه شد.

در بخش تقابل‌های معنایی تبعیت، واژه‌هایی چون «عصی»، «کره»، و «اعراض» ملاحظه می‌شود که از این میان، «عصیان» فراوانی بالاتری دارد. اصل این واژه از

تفسیر خود درباره این کلمه می‌نویسد: «اعراض» طغیان در وجود آدمی است، آنگاه که خداوند متعال به او نعمتی دهد، دچار کبر و غرور می‌شود و منعم را فراموش می‌کند و از شکرگویی و اطاعت روگردان می‌شود (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۰۵).

نتیجه‌گیری

کاوش در تفاوت دلالتی واژگان به‌ظاهر یکسان قرآنی، یکی از وظایف مهم مطالعات معناشناختی قرآن کریم است. با نگاه نخست بر شبکه معنایی «پیروی»، کلمات «تبع»، «اطاع»، «فنت»، «فقا»، «اقتدی»، «اجاب»، «اسلم» و «شیع» و مانند آن، ملاحظه شدند که دارای تداخل معنایی اند؛ ولی سیاق و کاربرد هر یک در ساختار آیات مبارک قرآن، اختلاف و تمایزات ابعاد معنایی آنها را به نیکی نشان می‌دهد. از بررسی معناشناسی واژه «تبع» و مشتقات آن در کنار واژه‌های اسمی و فعلی هم‌نشین آن، روشن شد تبعیت در آیات قرآن در دو ساختار کلی «بیرونی» و «درونی» و به سه شکل «قلبی»، «زبانی» و «عملی» و نیز در دو مسیر متقابل هدایت و ضلالت تجلی یافته است. ساختارهای مختلف این واژه در آیات، مفید معنای خاصی است که امکان جانشینی مترادف‌های دیگر وجود ندارد. بازخوانی معانی «تبعیت» در سیاق آیات قرآن بیان‌کننده آن است که معنای «تبعیت» مبتنی بر صدور فرمان نیست؛ بلکه حالت ارادی دارد و پیرو براساس اختیار درونی در پی متبوع خود روانه می‌شود؛ در حالی که واژه «اطاع» براساس سیاق آیات، با امر و نهی، پاداش و جزا مرتبط بوده و در ساختارهای انشایی کاربرد گسترده داشته است؛ ضمن آنکه «تبع» و مشتقات آن بیشتر به صفات درونی اطلاق می‌شوند و بر

ریشه «عصی» به معنای سرکشی و ترک پیروی است. در نگاه قرآن، در پی «عصیان» تبعاتی چون «غی»، «ضلال»، «عذاب» و «برائت» پدیدار شده که از نشانه‌های سلب توفیق‌اند؛ همچنین، اختلاف، جدایی و دوری در مراتب بعدی عصیان قرار دارند. براساس آیات شریف قرآن تکذیب حق، ناسپاسی و فسق، پایه‌های پیروی را سست می‌کند و ارکان پیوستگی و انسجام را در می‌ریزد (مصطفوی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۱۹۳). تعدی و معصیت پی‌درپی، موجب کفر و کفر، عامل هر گونه جنایت است: «بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ» (بقره: ۶۱).

در این آیه: «وَتِلْكَ آيَاتُ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ» (هود: ۵۹)، سرپیچی از یک پیامبر، نافرمانی از همه اولیا و انبیای الهی است؛ زیرا دعوت همه آنها به مسیری واحد است. همچنین، تقابل معنایی تبعیت و عصیان در آیاتی مانند: «إِنِ اتَّبَعُوا إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ» (یونس: ۱۵)، عدم استقلال دو حوزه معنایی پیروی و سرپیچی است که بر حسب مؤلفه‌های مشترک به یکدیگر گره می‌خورند.

گفتنی است کلمه دیگری که در تقابل معنایی با «اطاعت» و «تبعیت»، هم‌نشین این دو کلمه ذکر شده (سه مرتبه با «تبع» هم‌نشینی دارد)، واژه «اعراض» است. اعراض از نظر زبانی به معنای این است که فرد نفسانیت خود را در معرض دیگران قرار دهد و اظهار مقام و خودنمایی کند. این کلمه با این معنا اغلب با حرف «عن» جاره به کار می‌رود که معنای رویگرانی را بیان می‌دارد. در باب‌های افتعال و تفعیل نیز این کلمه، معنای مطاوعه و اختیار را افاده می‌کند. زمخشری در

معنی‌شناسی جهان‌بینی قرآنی. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

پاکتچی، احمد. (۱۳۸۷). مطالعه معنا در سنت اسلامی. نامه پژوهش فرهنگی، ۹ (۳)، ۱۲۱ - ۱۵۵.

پالمر، فرانک. (۱۳۶۶). نگاهی تازه به معناشناسی. ترجمه کورش صفوی. تهران: نشر مرکز.

جفری، آرتور. (۱۳۷۲). واژه‌های دخیل در قرآن مجید. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). وحی و نبوت در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء.

چندلر، دانیل. (۱۳۹۷). مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه مهدی پارسا. تهران: سوره مهر.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۹۰). مفردات الفاظ قرآن کریم. ترجمه حسین خداپرست. قم: انتشارات نوید اسلام.

زمخشتری، ابوالقاسم محمود بن عمر. (۱۹۹۸). اساس البلاغه. بیروت: دارالکتب العلمیه.

سامرائی، فاضل صالح. (۲۰۰۶). التعبير القرآنی. عمان: دار عمار.

شاملی، نصرالله. کهندل، مرضیه. و قاسم‌نژاد، زهرا. (۱۳۹۰). معناشناسی سیستماتیک و رسم شبکه معنایی واژه قانون و مترادفات آن در قرآن کریم. فصلنامه حسنا، ۳ (۹)، ۸۵ - ۱۱۳.

صفوی، کورش. (۱۳۶۹). نگاهی به تقابل معنایی. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (باهر کرمان)، ۱، ۱۰۴ - ۱۱۵.

_____ (۱۳۷۸). درآمدی بر معناشناسی. تهران: انتشارات سوره مهر.

عابدی جعفری، حسن. (۱۳۷۵). رفتارشناسی پیروان و نظریه‌های پیروی. فصلنامه مصباح، ۵ (۱۹)، ۳۹ - ۵۴.

عوا، سلوی محمد. (۱۹۹۸). الوجوه والنظائر فی القرآن الکریم. قاهره: دارالشروق.

فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب.

همراهی کردن تا رسیدن به مقصود دلالت دارند.

پیروی از نگاه آیات، تنها منحصر به سخن و پیروی قلبی نبوده است؛ بلکه جلوه خارجی و اطاعت عملی هم می‌خواهد و جلوه‌گاه آن، اطاعت بی‌قید و شرط در همه مسائل زندگی از فرمان خدا، پیامبر (ص) و اولوالأمر و رهبران حق است. از منظر قرآن، تبعیت، تنها در بُعد مادی منحصر نیست؛ بلکه جنبه معنوی، بخش عمده مختصات پیروی قرآنی را تشکیل می‌دهد. از منظر آیات قرآن، همه پیروان درباره وظایف محوله به ایشان در فضایی مبتنی بر عدالت (فاطر: ۱۸) در حد وسعشان، مسئول و پاسخگو هستند (بقره: ۲۸۶). مسئولیت، تابع در جریان گرفتن افراد از طریق شنیدن و دیدن (نور: ۱۶)، علم و آگاهی (نساء: ۱۱۵) و قدرت انجام مسئولیت (نساء: ۹۸) است. در نگاه قرآنی، پیروان آگاه‌تر نسبت به دیگران، مسئولیت بیشتری دارند (رعد: ۳۷). همچنین، هر فردی در دایره مسئولیت خود موظف به انجام وظیفه است و حق تجسس و ورود به حوزه‌های منع شده از آنها را ندارد (حجرات: ۱۲)، بر اساس این، مسئولیت و فرمانبری با یکدیگر درهم تنیده شده‌اند. علاوه بر این، هر نسلی در برابر نسل‌های آتی نیز مسئول است.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

ایچیسون، جین. (۱۳۷۱). مبانی زبان‌شناسی. ترجمه محمد فاضل. تهران: انتشارات نگاه.

ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۶۰). ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: انتشارات قلم.

_____ (۱۳۶۸). خدا و انسان در قرآن:

Izutsu, Toshihiko. (1981). *The semantic structure of moral-religious concepts in the Qur'an*. Translated by Fereydoun Badrahi. Tehran: Qalam Press.

_____. (1989). *God and Man in the Qur'an: The Semantics of the Qur'anic Worldview*. Translated by Ahmad Aram. Tehran: Islamic Culture Publishing Office.

Pakatchi, Ahmad (2008). The study of meaning in the Islamic tradition. *Journal of Letter of Cultural Research*, 9 (3), 121-155.

Palmer, Frank. (1987). *A new look at semantics*. Translated by Kourosh Safavi. Tehran: Markaz Press.

Jeffrey, Arthur. (1993). *The Foreign Vocabulary of the Qur'an*. Translated by Fereydoun Badrahi. Tehran: Toos.

Jawadi Amoli, Abdullah (2011). *Revelation and prophecy in the Qur'an*. Qom: Esra Publishing Center.

Chandler, Daniel. (2018). *Fundamentals of semiotics*. Translated by Mehdi Parsa. Tehran: Surah Mehr.

Ragheb Isfahani, Hussein bin Muhammad. (2011). *Vocabulary of the Holy Quran*. Translated by Hussein Khodaparast. Qom: Navid Islam Press.

Zamakhshari, Abu al-Qasim Mahmoud bin Umar. (1998). *The basis of rhetoric*. Beirut: Scientific Library Press.

Samerai, Fadhil Saleh. (2006). *The expressions of the Qur'an*. Oman: Dar Ammar.

Shamli, Nasrallah Kohandel, Marzieh And Qasemnejad, Zahra. (2011). Systematic semantics and drawing the semantic network of the word law and its synonyms in the Holy Quran. *Journal of Hasna Quarterly*, 3 (9), 85-113.

Safavi, Courosh. (1990). A look at semantic contrast. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities (Bahonar Kerman)*, 1, 104-115.

_____. (1999). *An Introduction to Semantics*. Tehran: Surah Mehr Press.

Abedi Jafari, Hassan (1996). Follower

بیروت: دار إحياء التراث العربی.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمدباقر موسوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. ترجمه گروه مترجمان. تحقیق رضا ستوده. تهران: انتشارات فراهانی.

عمر، احمد مختار. (۱۳۸۵). *معناشناسی*. مترجم سید حسین سیدی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

فائز، قاسم. خوش منش، ابوالفضل. و ذوعلم، آسیه. (۱۳۹۸). بهره‌گیری از سیاق متنی در معناشناسی ساختگرای قرآن. *مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث*، ۵۲ (۱)، ۹۵-۱۱۵.

فتاحی‌زاده، فتیحه. و امینی، فریده. (۱۳۹۵). *معناشناسی امام در قرآن کریم (رویکردی ساخت‌گرا)*: مطالعه تلفیقی معناشناسی ساختارگرا و معناشناسی مبتنی بر بافت زبانی. تهران: کتاب طه (مؤسسه فرهنگی طه).

قراحتی، محسن. (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

مصطفوی، حسن. (۱۳۸۵). *التحقیق فی کلمات القرآن*. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

محمدزاده، زهرا. (۱۳۹۳). *کشف نظریه‌های ضمنی پیروی و ارائه سنج‌های برای ارزیابی آن*. رساله دکتری: دانشگاه فردوسی مشهد.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. قم: دار الکتب الاسلامیه.

نشاط، نرگس. (۱۳۹۰). *در جست‌وجوی معنا: رهیافتی معناشناختی در علم اطلاعات*. تهران: نشر کتابدار.

Bibliography

The Holy Quran
Nahj al-Balagha

Aitchison, Jean. (1992). *Fundamentals of Linguistics*. Translated by Mohammad Faiz. Tehran: Negah Press.

- Fatahi zadeh, Fatiheh and Amini, Farideh. (2016). *Semantics of Imam in the Holy Quran (structural approach); A combined study of structural semantics and linguistic context-based semantics*. Tehran: Taha Book (Taha Cultural Institute).
- Qeraati, Mohsen (2004). *Tafsir Noor*. Tehran: Cultural Center of Quranic Lessons.
- Mustafawi, Hassan (2006). *Al-Tahghigh Fi Kalamat Al-Quran*. Tehran: Allameh Mostafavi Publishing Center.
- Mohammadzadeh, Zahra (2014). *Discovering the implicit theories of adherence and providing criteria for its evaluation*. Phd Theseis: Ferdowsi University of Mashhad.
- Makarem Shirazi, Naser (1995). *Tafsir Nemoneh*. Qom: Islamic Book House.
- Neshat, Narges. (2011). *In Search of Meaning: A Semantic Approach to Information Science*. Tehran: Librarian Press.
- Behavior and Follow Theories. *Journal of Mesbah Quarterly*, 5 (19), 39-54.
- Awwa, Salwa Muhammad. (1998). *Al-Wujuh wa Al-Nazayir Fi Al-Quran*. Cairo: Dar al-Shorouk.
- Fakhr Razi, Muhammad ibn Umar. (1420AH). *Mafatih al-Ghayb*. Beirut: House for the Revival of Arab Heritage.
- Tabatabai, Mohammad Hussein (1995). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi. Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Association.
- Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (1981). *Ma'a' al-Bayan fi-Tafsir al-Qur'an*. Translation by a group of translators. Researched by Reza Sotoudeh. Tehran: Farahani Press.
- Omar, Ahmad Mukhtar (2006). *Semantics*. Translated by Syed Hussein Seidi. Mashhad: Ferdowsi University Press.
- Faiz, Qasim. Khosh Manesh, Abolfazl, Asieh, Zoelm. (2019). Utilizing textual context in structural semantics of the Qur'an. *Journal of Quran and Hadith Research*, 52 (1), 95-115.